

۵۷۰ تک‌آهنگ

۳۰ آلبوم صوتی و ۲ ماه

دفتر موسیقی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مجوز ۵۷۰ تک‌آهنگ و ۳۰ آلبوم صوتی را طی ماه‌های اسفند ۱۴۰۱ و فروردین ۱۴۰۲ صادر کرد. این دفتر در اسفندماه ۱۴۰۱، مجوز ۳۹۱ تک‌آهنگ، ۱۹ آلبوم موسیقی، ۲۹۰ نماآهنگ، ۷۵۶ پرونده قطعه شعر و هشت مجوز تأسیس و تمدید استودیوی صداپرداری و مراکز تولید و تکثیر آثار صوتی و تصویری را صادر کرده است.

فربرز قربانزاده، طراح لباس در گفت‌وگو با «جام‌جم»:

یورش فرهنگی توهم توطنه نیست!

پوشش ایرانیان چنان چشمگیر، چشم‌نواز و پربازنده بوده که حتی دشمنان یونانی و رومی‌شان نتوانسته‌اند تحسین‌شان نکنند. از دوخت و تنوع و رنگارنگی تا رودزوی‌ها و زردزوی‌ها و آرایه‌های دیگر. راستی مگر شکی هست که ایرانیان پیشگامان نَخ‌رشتن و پارچه بریدن و دوختن آن هم برای فصل‌ها و منطقه‌های مختلف این کشور چهارفصل بوده‌اند به‌ویژه در زمانی که همان یونانیان و رومیان نیمه‌برهنه بودند و پارچه‌پیچِ بحران پوشش پیش از کشف حجاب رضاخان خودنمایی کرده بود و ناگزیری‌های زیست صنعتی با خودش واقعیت‌های نبوده و تازه‌ای را به کشورمان آورد. گسست از داشته‌ها و فراموش‌کردن‌شان فقط به‌خاطر متحد‌الشکل شدن لباس‌های رسمی در جهان نبود و ریشه‌یابی این چنین موضوع گسترده‌ای در حوصله و



علی اکبر مفا‌ره‌ری گروه فرهنگ و هنر

مطالبه جوان معاصر از بزرگان و برنامه‌ریزان فرهنگی چیزی نیست که نادیده گرفته شود و به حساب عرف و سنتی گذاشته شود که خودش بحران‌زده است. این را درباره پوشش می‌گویم.

ماجرای بیش از اندازه پیچیده شده درحالی که اصلاً پیچیده نیست. مثالی می‌زنم یک لب یا لب‌آمد، گفتند جلوتر نیایم افنی، عقب عقب رفت از آن سوی بام افتاده به همین سادگی!

❏ در این باره کسی سر جایش نیست. حجاب عرف است یعنی جامعه خودش آن را پیش می‌برد و هدایت می‌کند؟

معمولاًدم‌های مشهورو به‌قول امروز سلبریتی پیش از این تاثیر می‌گذاشتند و پوشش‌شان مد روز می‌شد، الان به‌قدری فشار از حوایب مختلف متوجه

جامعه ماست، به نوعی که انگار سنگ روی سنگ بند نمی‌شود و نمی‌توان فشار مضاعفی به جامعه وارد کرد و به امر و نهی درباره پوشش پرداخت. زمانی که مسئولان و دست‌اندرکاران باید کاری می‌کردند، نکردند و حتی بدترش کردند و هنوز نه تکلیف نهادهای رسمی و نه مردم روشن است.

الان همه و یورش فرهنگی چنان است که دیگر توهم توطنه نیست از گیم‌ها و معناهای نهفته در آن تا دیگر داده‌ها و محصولات فرهنگی بیگانه، ذهن و روان بچه‌ها و جوان ما را به‌نوعی درزیده. اگر به عرف و خود جامعه مسأله‌های مهمی مانند پوشش را بسپاریم، آن هم جامعه‌ای که به بیان خود مسئولان و کارشناسان چهار دهه‌کار چشمگیر و تاثیرگذار و بلندمدت فرهنگی نشده و خوراک فرهنگ خودی برایش آماده نبوده است.

❏ پس چنین جامعه‌ای بی‌راهنما به همان راهی می‌رود که بیگانگان باز کرده‌اند و برایش برنامه‌ریزی‌ها داشته‌اند؟

من خیلی متخصص فرهنگ نیستم و دیدگاهم را می‌گویم. ببینید چند سال پیش نشر شعرهای مولوی در آمریکا رکورد زد یا پاتولو کونیلو؛ مگر داستان‌هایش را از کجا الهام گرفته از عطار و مولوی، حالا همین عطار و مولوی واقعا چه جایگاهی در کشور ما دارند! آیا در تلویزیون کرسی مولوی‌شناسی داریم یا فردوسی در رسانه ملی چه جایگاهی دارد. چرا تلویزیون کرسی حافظ‌شناسی ندارد. متأسفانه کار دست کسانی است

برش

کوچک دیدن کارهای بزرگ

جامعه سه رکن دارد؛ پوشش ، خورش و گویش که عامل تعیین کننده در این سه، عرف و اقلیم است. درباره پوشش ما کار چندانی نکرده‌ایم و کارهای انجام شده ناقص و نارسا بوده مانند راه‌اندازی کارگروه ساماندهی مد و لباس در وزارت ارشاد که با صرف هزینه‌های زیاد، چون کاری دستوری بود متأسفانه نتیجه تاثیرگذاری نداشته است. این کارگروه، کوچک و محدود بود، زیرا چنین کاری را کوچک دیدند. کاری بزرگ که باید با پژوهش و تحقیق ژرف و حمایت از افراد با استعداد و دست اندرکار در گستره‌ای بزرگ و البته مستمر و پیوسته، نه مقطعی و دستوری صورت‌بندی می‌شد. در حالی که پوشش، یکی از سه رکن جامعه است و بسیار مسأله مهم و گسترده‌ای است. چنین نقدهایی سیاه‌نمایی نیست بلکه

در میان تک‌آهنگ‌های مجوزگرفته، ۳۳۶ اثر در ژانر موسیقی پاپ، ۱۸۰ اثر در ژانر موسیقی تلفیقی، ۱۳ اثر در ژانر موسیقی نواحی، ۹۰ اثر در ژانر موسیقی سنتی، هشت اثر در ژانر موسیقی کلاسیک، پنج اثر در ژانر موسیقی الکترونیک و دو اثر در قالب رسییتال‌پیانو تولید شده‌اند.

همچنین در فروردین‌ماه ۱۴۰۲، دفتر موسیقی مجوز ۱۷۹ تک‌آهنگ، ۱۱ آلبوم، ۴۴۴ پرونده شعر، ۱۰ نما‌آهنگ و

هشت مجوز تأسیس و تمدید استودیوی صداپرداری و مراکز تولید و تکثیر آثار صوتی و تصویری را صادر کرده است. در میان تک‌آهنگ‌های منتشرشده ۱۵۲ اثر در ژانر موسیقی پاپ، هشت اثر در ژانر موسیقی سنتی، شش اثر در ژانر موسیقی تلفیقی، پنج اثر در ژانر موسیقی کلاسیک، چهار اثر در ژانر موسیقی نواحی، سه اثر در ژانر موسیقی الکترونیک و یک سرود تولید شده‌اند.



تخصص این سطرها نیست. ضرورت بازگشت به خویش و برپایی تمدن نوین ایرانی – اسلامی ناگزیرمان می‌سازد برای این مسأله مهم یعنی طراحی، پیشنهاد، پذیرش و روایی دادن به پوشش ملی یا کارشناسان دست‌اندرکار به هم‌سخن پی‌دازیم. هدایت بحران ریشه‌دارو قدیمی پوشش و راهنمایی‌اش به سمت خودآگاهی و خویشتن‌یابی هماهنگ با ملیت مذهبی و جهان تاجایی که بتوانیم جوانان گذشته‌های درخشان این سرزمین تاثیرگذارو پیشنهاددهنده باشیم از دغدغه‌های این فراز‌هاست که می‌کوشد راهکارهایی را در گفت‌وگو با استادان پی‌بجویم. برای بررسی این مسأله با فربرز قربانزاده از طراحان بنام صحنه ولباس‌تئاتربه گفت‌وگونشستم که در ادامه می‌خوانید:

❏ درست است که لباس و پوشش را اقلیم و فصل تعیین می‌کند اما وقتی به جوان می‌گوییم این را نبوش، دست‌مان از پیشنهاد خالی است!

آفرین! اول باید تحقیق و پژوهش و کار کنیم و به این سادگی‌ها نیست. برای فرهنگ باید هزینه شود. ما هزینه نکرده و نگذاشته، می‌خواهیم درو کنیم که اصلاً نمی‌شود. وقتی حضرت علی(ع) در زمان حکومتش می‌فرماید اگر از من نارسایی دیدید باید به من بگویید، می‌دانست که انسان با نقد است که رشد می‌کند. مراکزی هم که باید آموزش‌دهنده باشند انگار آموزش را فراموش کرده و آن را به مکانی برای تبلیغ تبدیل کرده‌اند.

در اصل جامعه سه رکن دارد: گویش و خورش و پوشش که جغرافیا در آنها تعیین‌کننده است به نوعی که فرآیندشان به هویت تبدیل می‌شود و نمی‌شود با فشار دگرگون‌شان کرد. به نظر من حجاب یک امر عرفی است که فصل در آن نقشی تعیین‌کننده دارد. همچنین به گفته شما باید دست‌مان پر باشد تا بتوانیم در زمینه پوشش پیشنهاددهنده باشیم اما دست‌مان خالی است زیرا در زمینه پوشش چندان کار نکرده‌ایم و باید کار انجام شود. جامعه اقتضائاتی دارد که اگر آنها را درنظر نگیریم رشد تک‌بعدی می‌شود و جامعه هم نمی‌پذیرد. متأسفانه کسی هم به فکر فرهنگ نیست.

❏ درباره فرهنگ و فرهنگ‌پروری اتفاق در این هفت، هشت ماه اخیر بارها کارشناسان اذعان کردند کار اصولی چندانی نشده!

این مدت کار خودمان و نتایجش را دیدیم و باید در عملکردمان بازنگری کنیم. هرچند کسی چنین فکری نمی‌کند. حتی من دارم با شما محافظه‌کارانه صحبت می‌کنم چون کسی به فکر این چیزها نیست، به قول قدیمی‌ها کمی ایمان، توکل و خودنگری لازم است. بعید می‌دانم برخی مسئولان گمان کنند کارشان نقص داشته و تا زمانی که چنین بینشی حاکم باشد نقد هم بدیفرته نمی‌شود. در جامعه‌های پیشرفته برخلاف اینجا نقد وجود دارد و از آن استقبال می‌شود. من کسی را مقصر نمی‌دانم؛ می‌گویم همه متأسفانه غفلت و کوتاهی کردیم اما بی‌پذیریم اشتباه کردیم و از یک جایی بایستیم و دیگر اشتباهات‌مان را تکرار نکنیم.



برای دیدن فیلم لباس در ایران کوادرک را اسکن کنید

دین هم سیاه، رنگ مکروه است اما در جامعه ما بسیار ترویج و تبلیغ شده و می‌شود. اگر می‌خواهیم کار فرهنگی انجام دهیم باید چنین نکاتی را ریشه‌یابی کنیم و بی‌تعارف با چنین موضوعاتی مواجه شویم. طبق آنچه در تاریخ آمده، رنگ اولیا سفید بوده است مثلاً یک نمونه از جلیلیات معاصر هم که قابل اشاره است، وارد کردن رنگ سرخ در پرچم‌های عزاداری از سوی عده‌ای بود درحالی‌که تا پیش از این در تعزیه ما رنگ اشقیا، سرخ است.

به‌هرحال جریان ارتباطات جهانی را هم باید در نظر گرفت که در این مورد به‌خصوص اجتناب‌ناپذیر است. در این باره ترجیحا به واژگانی مانند یورش فرهنگی اشاره نشود، بهتر است زیرا از واقعیت‌های اجتناب‌ناپذیر جهان معاصر است و فقط در پوشش، اتفاق نمی‌افتد. مبارزه یا واکنش در برابر چنین واقعیت‌هایی باعث غفلت از موضوع‌ها و مسائل مهم‌تر می‌شود و فقط به گزارش کار و آمار ختم می‌شود مانند کارگروه لباس که مسأله را ریشه‌ای ندیدند و فقط انگار خواستند کاری کرده باشند.

پرداختن به واقعیت است. وقتی مسأله به این مهمی را می‌خواهید با یک کارگروه ساماندهی کنید، روشن است که نتیجه نمی‌دهد.

رنگ در لباس

برخی رنگ‌ها به‌صورت نماد تاریخی درآمده بدون این که بدانیم ریشه در کدام واقعیت‌های تاریخی دارد. مثلاً سبز که رنگ مورد علاقه امویان به‌خصوص معاویه بوده، متأسفانه به مرور به‌عنوان نشان شیعیان جا زده شده یا انتخاب سیاه که نماد عزاداری است، برمی‌گردد به دوران عباسی که چون می‌خواستند رنگ ویژه خودشان را داشته باشند و پرچم و شعارشان مشخص باشد در برابر امویان، رنگ ما بهت سیاه را برگزیدند که انتخاب ابومسلم خراسانی بود، هرچند به مرور خود عباسیان به دلیل دشمنی با پیروان ابومسلم و جنبش ایرانیان با همین رنگ هم مخالفت کردند.

جالب است که رنگ سیاه در پوشش‌های ایرانی چندان جایی ندارد و از نظر علمی

تور کنسرت علیرضا قربانی به جنوب رسید

علیرضا قربانی در ادامه تور کنسرت‌های جدید خود به استان کرمان، شیراز و کیش سفر می‌کند. تور کنسرت‌های جدید علیرضا قربانی که از ۱۶ اردیبهشت‌ماه آغاز شده بود، پس از گرگان، رشت و تبریز، اول و دوم خرداد در تالار فرهنگ و هنر شهر کرمان و ۴ خرداد در سینما قدس سیرجان اجرا

می‌شود. علیرضا قربانی سپس ۷ تا ۹ خرداد هر شب در تالار حافظ شهر شیراز روی صحنه می‌رود و ۱۲ خرداد نیز در مرکز همایش‌های بین‌المللی جزیره کیش میزبان علاقه‌مندان به موسیقی ایرانی خواهد بود. تمامی این اجراها در دو سانس ۱۹ و ۲۲ است. همچنین کنسرت علیرضا قربانی در تبریز که از ۲۷ تا ۲۹ اردیبهشت برنامه‌ریزی شده بود به دلیل استقبال مخاطبان یک شب دیگر تمدید شد و ۳۰ اردیبهشت‌ماه نیز کنسرت این خواننده در تبریز برگزار می‌شود.

قطعات رپرتوار این کنسرت‌ها ترکیبی از محبوب‌ترین قطعات علیرضا قربانی و آثار جدید این خواننده صاحب تاثیر موسیقی ایران است که همچون گذشته در فضایی عاشقانه و اجتماعی تقریر یافته و می‌توان این کنسرت را در راستای کنسرت «با من بخوان» از کنسرت‌های موفق علیرضا قربانی دانست.



نوا

تور کنسرت علیرضا قربانی به جنوب رسید

علیرضا قربانی در ادامه تور کنسرت‌های جدید خود به استان کرمان، شیراز و کیش سفر می‌کند. تور کنسرت‌های جدید علیرضا قربانی که از ۱۶ اردیبهشت‌ماه آغاز شده بود، پس از گرگان، رشت و تبریز، اول و دوم خرداد در تالار فرهنگ و هنر شهر کرمان و ۴ خرداد در سینما قدس سیرجان اجرا

می‌شود. علیرضا قربانی سپس ۷ تا ۹ خرداد هر شب در تالار حافظ شهر شیراز روی صحنه می‌رود و ۱۲ خرداد نیز در مرکز همایش‌های بین‌المللی جزیره کیش میزبان علاقه‌مندان به موسیقی ایرانی خواهد بود. تمامی این اجراها در دو سانس ۱۹ و ۲۲ است. همچنین کنسرت علیرضا قربانی در تبریز که از ۲۷ تا ۲۹ اردیبهشت برنامه‌ریزی شده بود به دلیل استقبال مخاطبان یک شب دیگر تمدید شد و ۳۰ اردیبهشت‌ماه نیز کنسرت این خواننده در تبریز برگزار می‌شود.

قطعات رپرتوار این کنسرت‌ها ترکیبی از محبوب‌ترین قطعات علیرضا قربانی و آثار جدید این خواننده صاحب تاثیر موسیقی ایران است که همچون گذشته در فضایی عاشقانه و اجتماعی تقریر یافته و می‌توان این کنسرت را در راستای کنسرت «با من بخوان» از کنسرت‌های موفق علیرضا قربانی دانست.

جام جم

فرهنگ

CULTURE

یکشنبه ۳۱ اردیبهشت ۱۴۰۲ ■ شماره ۶۴۹۲

یادداشت

محبه پژم | کارشناس مد و لباس

تلاش برای کسب استقلال فرهنگی و هویتی

تأکید بر علم بومی در برابر علم استعماری و وابسته به اقتصاد، رویکردهای جامعه‌شناختی و فرهنگ دیگر ملل یکی از ابزار توسعه و پیشرفت تمامی صنایع از جمله صنعت مد و لباس است. شاید برای بسیاری تعجب برانگیز باشد که صحبت درباره حوزه مهم و سرنوشت‌ساز مطالعات پسااستعماری تا چه میزان قابلیت بسط و گسترش در تمامی عرصه‌ها را دارد. از همین رو بر اساس ساختارهای تاریخی، جغرافیایی و فرهنگی و به نقل قول از بزرگان این حوزه می‌توان گفت پژوهش در زمینه مطالعات پسااستعماری به هر موضوعی که بپردازد، به درک قدرت فرهنگی، عمق تاریخی و بین‌المللی می‌بخشد.

در برخی تعاریف، پسااستعمارگرایی از سویی، اندیشیدن به رابطه میان واقعیت‌گرایی جغرافیایی و تاریخ جهان در مدت زمان برقراری استعمار را در اولویت مطالعه قرار می‌دهد و از سوی دیگر، لزوم تأمل بر دانش نوینی را گوشزد می‌کند که آفریده ایستادگی خلاقانه در برابر گفتمان‌های استعماری و اعتراض بخردانه نسبت به همه آنهاست تا بدین‌سان جهان و روایت‌های آن را در سطحی گسترده و از دریچه‌ای متفاوت و انتقادی مورد توجه قرار دهد.

در این میان، مسأله پوشش با تکیه بر فعالیت گسترده و روزافزون نهادهای تخصصی و برنده‌های جهانی، به شکلی پراکنده دارای نوعی سیالیت و قطعیت نداشتن در مضامین و ساختارهاست که بخش عمده آن به رویکردهای فرهنگی شامل باورها، سنت‌ها و اعتقادات بومی و منطقه‌ای و از سوی دیگر به پیشینه تاریخ هنر هر سرزمینی بازمی‌گردد.

باین‌همه، در سایه اندکی تأمل و تفکر درباره آنچه در تاریخ غنی کشورمان بر پوشش اقوام گوناگون گذشته است به خوبی می‌توان دریافت مرزهای روشن لباس اقوام ایران، مبنایی مستحکم در تعیین موقعیت کشورمان در میان سایر ملل بوده و در این راستا تأکید بر علم بومی در برابر علم استعماری و وابسته به اقتصاد، رویکردهای جامعه‌شناختی و فرهنگ دیگر ملل، یکی از ابزار توسعه و پیشرفت تمامی صنایع از جمله صنعت مد و لباس است.



به‌هر روی، کنترل گسترش فرهنگ مصرف‌گرایی در میان نوجوانان و جوانان، تلاش بی‌وقفه در مسیر حفظ و احیای هویت ملی و فرهنگی کشور با تکیه بر ابزار قدرتمند و اثرگذار رسانه، پژوهش‌های بنیادین در حوزه مد و لباس با تأکید بر موقعیت تاریخی و جغرافیایی کشورمان، احترام گذاشتن به آیین‌ها و رسوم اقوام ایرانی در مسیر طراحی و تولید پوشاک به‌ویژه در رخداد‌های هنری با اعتماد به آنچه محصول و نتیجه تراوش‌های ذهن هنرمندان است. مواردی از این دست، هر یک به نوبه خود می‌تواند مسیر دستیابی ایران به استقلال فرهنگی و هویتی در امر پوشش را همواره سازد و چه بسا به لطف این صنعت پولساز، بتوان از بسیاری بحران‌های اقتصادی نیز به سلامت عبور کرد.

و سر آخر این‌که، هنر صنعت مد و لباس کشورمان بیش از هر زمان دیگری نیازمند موضعگیری‌های آکادمیک فعالان این عرصه همسو با ادبیات و گفتمان تجربی و سنتی است. چه بسا خوانش دوباره و نگارش مجدد بسیاری از منابع و مراجع موجود در سایه پژوهش‌های نو و مبتنی بر دانش روز می‌تواند راهکاری اساسی در قرار گرفتن ایران روی ریل صادرات پوشاک باشد.

قاب

آغاز نهمین دوره

«۱۰ روز با عکاسان ایران»

نمایشگاه و نشست‌های تخصصی نهمین دوره «۱۰ روز با عکاسان ایران» از امروز ۳۱ اردیبهشت تا ۸ خرداد در خانه هنرمندان ایران برپا می‌شود. مراسم افتتاح این رویداد روز گذشته با یاد و خاطره عکاسانی مانند اکبر عالمی، مزگان پارسامقام، آرش عاشوری‌نیا، بابک برزویه و ... که در سه سال اخیر درگذشته‌اند، برگزار شد. نمایشگاه «۱۰ روز با عکاسان ایران» به‌عنوان مهم‌ترین رویداد جمعی عکاسی ایران است که در فقدان دوسالانه‌ها و رویدادهایی عکاسی این‌خارا برپا کرده است.

